گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۵۰۸۶۸۹
دوشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۳ ۱۴:۵۵

بررسی یک ادعا در مورد نفت ایران

تیترهای جنجالی و قضاوت‌های یک‌جانبه &#۴۷; قراردادهای نفتی ایران

در دنیای رسانه، یک تیتر می‌تواند مسیر تحلیل‌ها را تغییر دهد. اخیراً یکی از روزنامه‌ها با تیتر "هزینه هنگفت عصبانیت رضا شاه" تلاش کرده است که اقدام وی در لغو امتیازنامه دارسی را تصمیمی احساسی و پرهزینه جلوه دهد. اما آیا چنین روایتی تمام حقیقت را بیان می‌کند؟<br&#۴۷>;مقایسه امتیازنامه دارسی و پرونده‌های نفتی پس از انقلاب ایران

به گزارش گروه اقتصاد _پایگاه اطلاع رسانی دریا و نفت ، زمانی که صحبت از پرونده های نفتی ایران می شود بیشترین چیزی که باعث نگرانی است اشتباهات مدیریتی ،فساد و خیانت به سرمایه کشور بطور غم انگیزی به چشم می خورد .اما ما نباید صرفاً به دلیل یک تیتر، چشم بر خدمات یا اشتباهات یک دولت یا شخص ببندیم. در تاریخ ایران، قراردادهای نفتی همواره محور جدال‌های سیاسی، اقتصادی و حقوقی بوده‌اند. از امتیازنامه دارسی (۱۹۰۱) گرفته تا پرونده‌های جنجالی پس از انقلاب مانند کرسنت، بابک زنجانی، استات‌اویل و توتال، همواره بحث‌های گسترده‌ای درباره فساد، سوءمدیریت، دخالت خارجی و تحریم‌ها مطرح بوده است.

در این گزارش، مقایسه‌ای دقیق بین امتیازنامه دارسی و قراردادهای نفتی پس از انقلاب ارائه می‌دهیم تا ببینیم ایران در مسیر مدیریت منابع نفتی خود چه مسیری را پیموده و چه درس‌هایی می‌توان از آن گرفت.

۱- امتیازنامه دارسی: آغاز تسلط انگلیس بر نفت ایران الف) قرارداد دارسی (۱۹۰۱): یک امتیاز استعماری ویلیام دارسی، یک سرمایه‌دار بریتانیایی، در سال ۱۹۰۱ با حمایت دولت انگلستان موفق شد اولین امتیاز استخراج و فروش نفت ایران را از مظفرالدین‌شاه قاجار دریافت کند. مهم‌ترین مفاد این قرارداد عبارت بودند از: مدت زمان: ۶۰ سال محدوده: تقریباً کل ایران به‌جز ۵ استان شمالی حق ایران: ۲۰ هزار لیره استرلینگ، ۲۰ هزار لیره سهام و ۱۶ درصد سود خالص کنترل مطلق انگلیس بر منابع نفتی ایران نتیجه: این قرارداد باعث شد که انگلیس تا سال‌ها تسلط کاملی بر نفت ایران داشته باشد.

ب) لغو دارسی توسط رضا شاه (۱۹۳۳): تصمیمی اشتباه یا اجتناب‌ناپذیر؟ در سال ۱۹۳۳، رضاشاه امتیاز دارسی را لغو کرد و قرارداد جدیدی را با شرکت نفت ایران و انگلیس امضا کرد. هرچند این قرارداد شرایط جدیدی داشت، اما همچنان بسیاری از امتیازات را به انگلستان واگذار کرد.

ج) ملی شدن نفت (۱۹۵۱): پایان تسلط انگلیس در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹، دکتر محمد مصدق قانون ملی شدن صنعت نفت را تصویب کرد. این اقدام، باعث درگیری ایران و انگلستان شد که به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و بازگشت مجدد تسلط غرب بر نفت ایران انجامید.

۲_ پرونده‌های نفتی پس از انقلاب: مشکلات جدید در مدیریت نفت

الف) قرارداد کرسنت (۲۰۰۱): فروش گاز به امارات با قیمتی ناچیز قرارداد: در سال ۲۰۰۱، ایران قراردادی ۲۵ ساله با شرکت اماراتی کرسنت امضا کرد. مشکل: قیمت فروش گاز بسیار پایین‌تر از قیمت بازار بود و ادعاهایی درباره پرداخت رشوه به مقامات ایرانی مطرح شد. نتیجه: ایران در ۲۰۰۵ صادرات گاز را متوقف کرد، اما کرسنت شکایت کرد و ایران در دادگاه محکوم به پرداخت میلیاردها دلار غرامت شد.

ب) پرونده استات‌اویل (۲۰۰۳): رشوه برای دریافت امتیاز نفتی شرکت نروژی استات‌اویل برای دریافت قراردادهای نفتی، ۱۵ میلیون دلار رشوه به واسطه‌های ایرانی پرداخت کرد. نتیجه: استات‌اویل در دادگاه نروژ محکوم شد و ایران نیز به چالش‌های فساد در قراردادهای نفتی دچار شد.

ج) قرارداد توتال (۱۹۹۷ و ۲۰۱۷): حضور و خروج یک غول نفتی در ۱۹۹۷، شرکت توتال فرانسه برای توسعه فازهای ۲ و ۳ پارس جنوبی وارد ایران شد، اما بعدها ادعا شد که در این قرارداد رشوه‌هایی پرداخت شده است. در ۲۰۱۷، ایران قرارداد جدیدی با توتال امضا کرد، اما پس از تحریم‌های آمریکا، توتال از ایران خارج شد.

د) پرونده بابک زنجانی (۲۰۱۳): بزرگ‌ترین فساد نفتی تاریخ ایران موضوع: فروش نفت ایران در دوران تحریم‌ها توسط بابک زنجانی، اما عدم بازگشت ۲.۷ میلیارد دلار به خزانه ایران. نتیجه: بابک زنجانی محکوم به اعدام شد و بعد از چند سال طبق گفته رسانه ها در سال ۱۴۰۳ آزاد شد اما هنوز بخش زیادی از پول نفت بازنگشته است.

ه) پرونده نفتکش‌های ایران (۲۰۱۲ – کنون) تحریم‌های آمریکا علیه شرکت ملی نفتکش ایران باعث شد که ایران برای فروش نفت دچار مشکل شود. نتیجه: توقیف نفتکش‌هایی مانند گریس ۱ در جبل‌الطارق و چالش‌های فروش نفت به چین و ونزوئلا.

۳_ نتیجه‌گیری: چه درس‌هایی باید بگیریم؟

۱. قراردادهای نفتی در تاریخ ایران همواره با چالش‌هایی مانند وابستگی خارجی، فساد، سوءمدیریت و تحریم‌ها روبه‌رو بوده‌اند.

۲. لغو امتیاز دارسی توسط رضاشاه اقدامی در جهت کاهش سلطه انگلیس بود، اما چون مذاکرات حرفه‌ای صورت نگرفت، همچنان نفت ایران در اختیار

انگلیس ماند

۳. مشکلات کرسنت، استات‌اویل، توتال و بابک زنجانی نشان می‌دهد که حتی پس از ملی شدن نفت، فساد و ضعف مدیریتی همچنان مانع توسعه صنعت نفت ایران شده است.

۴. برای آینده، ایران نیاز به مدل‌های جدید قراردادهای نفتی دارد که علاوه بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی، منافع ملی را نیز حفظ کند.

۵ . ما نباید اجازه دهیم که تحلیل‌های یک‌جانبه تاریخی باعث نادیده گرفتن خدمات یا اشتباهات افراد و دولت‌ها شود. تصمیمات اقتصادی و نفتی ایران باید از دیدگاهی واقع‌بینانه بررسی شود، نه بر اساس تعصبات سیاسی یا رسانه‌ای

سوال پایانی برای مخاطبان: آیا مشکلات نفتی ایران ناشی از سلطه خارجی بوده یا ضعف مدیریتی داخلی؟ چگونه می‌توان از گذشته درس گرفت و آینده‌ای بهتر برای مدیریت نفت ایران رقم زد؟